

محاکمه پیرترین قاتل ایران به صورت درازکش در دادگاه؛ قتل همسر بعد از ۶۰ سال زندگی مشترک!

مرد سالخورده که متهم است همسرش را کشته، در حالی از خود دفاع کرد که توان ایستادن نداشت و روی صندلی‌های دادگاه دراز کشید.

به گزارش سایت خبری پرسون، رسیدگی به این پرونده از شهریور سال ۱۴۰۰ به دنبال کشته شدن زنی ۷۵ ساله به نام رباب در در خانه‌اش در پرنده رباط کریم آغاز شد. وقتی مأموران رهسپار خانه قربانی شدند با جسد خونین زن سالخورده روبه رو شدند که در آشپزخانه قرار داشت و ماهیتابه‌ای خونین کنار وی افتاده بود. شواهد نشان می‌داد پیرزن با ضربه‌های ماهیتابه و چاقو از پای درآمده است.

پسر قربانی که پلیس را مطلع کرده بود به مأموران گفت: من چند سال است ازدواج کرده‌ام اما هر روز به مادر و پدر پیرم سر می‌زنم یا با آنها تلفنی صحبت می‌کنم. امروز هرچه تماس گرفتم کسی تلفنم را جواب نداد، نگران شده بودم مقابل در خانه رفتم. وقتی پدرم در را باز کرد از او پرسیدم چرا مادرم جواب تلفن را نمی‌دهد. اما او گفت مادرت خسته بوده و به خواب رفته است. من که از لحن صحبت پدرم به او مشکوک شده بودم وارد آشپزخانه شدم و ناباورانه جسد مادرم را دیدم که غرق خون روی زمین افتاده بود. نبض او را گرفتم و متوجه شدم جان سپرده است.

وی ادامه داد: من که شوکه شده بودم سراغ پدرم رفتم و از او سؤال پرسیدم. اما او مدعی شد وقتی از خانه بیرون رفته بود چنین بلایی سر مادرم آمده است. من که به ماجرا مشکوک شده بودم به سرعت با پلیس تماس گرفتم.

به دنبال اظهارات پسر جوان، مأموران پدر ۸۵ ساله وی را بازداشت کردند اما وی مدعی شد از نحوه قتل همسرش اطلاعی ندارد.

اعتراف به جنایت خانوادگی

متهم گفت: من و رباب ۶۰ سال پیش با هم ازدواج کردیم با اینکه من خیلی به او محبت می‌کردم اما او هیچ محبتی به من نمی‌کرد و همیشه به من بی‌توجهی می‌کرد. بود و نبودم برایش مهم نبود و همه توجه‌اش به پسرمان بود.

وی ادامه داد: من به بیماری‌های زیادی مبتلا شدم و بارها حالم بد شده ولی او مرا با حال بد رها می‌کرد و به خانه پسرمان می‌رفت. اوبه تازگی همه اموالمان را به نام پسرمان کرده بود و من بیشتر احساس پوچی می‌کردم تا اینکه آخرین بار در آشپزخانه باهم بحث کردیم. من از او خواستم تا اخلاقی را عوض کند اما او به من بی‌اعتنایی کرد و دعوا میان ما بالا گرفت.

متهم اظهار کرد: من که عصبانی شده بودم از کوره در رفتم و با ماهیتابه به سرش زدم. او به من حمله کرد و من چاقوی آشپزخانه را به سمتش گرفتم و دیگر چیزی نفهمیدم. وقتی به خودم آمدم که او روی زمین افتاده بود. من که ترسیده بودم لباس‌های خونی خودم را در کیسه زباله گذاشتم و بیرون بردم. همان موقع پسرمان به خانه آمد و متوجه موضوع شد و به پلیس خبر داد.

نخستین سرخ

مأموران در نخستین گام از تحقیقات به بررسی دوربین‌های مداربسته ساختمان پرداختند. در بررسی‌ها مشخص شد در زمان وقوع جنایت، رباب و همسرش در خانه تنها بودند و ساعتی بعد محمود با در دست داشتن کیسه‌ای مشکی از خانه خارج شده است.

با به دست آمدن این سرخ، مأموران زباله‌های نزدیک ساختمان را بررسی کردند و کیسه‌ای را که این پیرمرد به سطل زباله انداخته بود پیدا کردند که در آن چند لباس خونی وجود داشت. با افشای راز جنایت خانوادگی محمود تحت بازجویی قرار گرفت و به قتل همسرش اعتراف کرد.

در دادگاه

وی به بازسازی صحنه جرم پرداخت و پرونده‌اش برای رسیدگی به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا از خود دفاع کند. در ابتدای جلسه فرزندان قربانی اعلام گذشت کردند و گفتند حاضر به قصاص پدرشان نیستند. اما پسرکوچک قربانی قصاص خواست.

وی درحالی‌که اشک می‌ریخت در جایگاه ویژه ایستاد و گفت: من اولین نفری بودم که وارد خانه شدم و بالای سر جسد مادرم رسیدم. من هر روز به آنجا می‌رفتم و به پدر و مادرم سر می‌زدم. هنوز خاطره آن روز از ذهنم پاک نشده و من نمی‌توانم از خون مادرم گذشت کنم. به همین خاطر برای پدرم قصاص می‌خواهم.

سپس متهم سالخورده که در حمام زندان زمین خورده و مهره کمرش شکسته و با آمبولانس از زندان به دادگاه منتقل شده بود به سختی از جا برخاست تا در جایگاه ویژه بایستد. اما چون پیرمرد توان حرکت نداشت به کمک مأموران بدرقه روی صندلی‌های دادگاه دراز کشید تا از خود دفاع کند.

وی که به سختی صحبت می‌کرد گفت: مدتی قبل در حمام زندان زمین خورده‌ام و مهره کمرم شکسته و وضعیت خوبی ندارم. من روزهای سختی را در زندان می‌گذرانم و امروز هم با آمبولانس به دادگاه منتقل شدم. من اتهام قتل را قبول ندارم و بی‌گناه هستم.

وی ادامه داد: بیمار بودم و در بستر بیماری خوابیده بودم. ساعت ۴ صبح بود که با سیلی‌ای که به صورتم خورد از خواب بیدار شدم. من همسر را دیدم که بالای سرم ایستاده بود. او با عصا ضربه‌ای به سینه‌ام زد که عصا شکست. حتی وقتی مأموران پلیس به خانه‌ام آمدند عصای شکسته را صورتجلسه کردند. همسر چاقو در دست داشت و می‌خواست مرا بکشد به همین خاطر او را هل دادم. من چاقویی در دست نداشتم و نمی‌دانم همسر چطور کشته شد. ممکن است در حین درگیری چاقویی که در دستان همسر بوده با او برخورد کرده و موجب مرگش شده باشد.

متهم ادامه داد: من به بیماری فشار خون بالا مبتلا هستم و در آن لحظه چشمانم جایی را نمی‌دید. اصلاً متوجه نشدم چاقو چطور با همسر برخورد کرد. من قبلاً تحت فشار روانی در پلیس آگاهی به قتل اعتراف کرده بودم اما حالا می‌گویم ضربه‌ای به همسر نزدم.

پیرمرد گفت: من و همسر سال‌ها مدام با هم درگیر بودیم و علت درگیری ما همین پسری است که حالا برای من قصاص خواسته است. من ۲ مغازه و یک خانه به او دادم اما او اجاره آنها را به من نمی‌داد. حتی خانه برادرش را هم از او گرفته بود. من بارها در این باره با او صحبت کردم اما گوشش بدهکار نبود. همسر با او همدست شده بود تا همه ثروتم را بالا بکشند. من سر همین موضوع مدام با همسر درگیری داشتم.

سپس وکیل وی روبه روی قضات ایستاد و گفت: بررسی پرونده نشان می‌دهد قربانی از همسرش قوی‌تر بوده. متهم سال‌ها پیش سگته کرده و قادر به حرکت نبوده و طبق گفته فرزندانش حتی برای حمام کردن نیز نیاز به کمک داشته است. با توجه به شرایط متهم به نظر می‌رسد وی قدرت قتل همسرش را نداشته و در کشمکش با همسرش چاقو ناخواسته با او برخورد کرده است. موکلم از خودش دفاع کرده و عصای شکسته در صحنه جنایت نیز صورتجلسه پلیس شده است که تأیید کننده ادعای متهم است.

وی ادامه داد: موکلم هنگامی که بازداشت شد صورتش زخمی و متورم بوده و این نشان می‌دهد همسرش هنگامی که او در خواب بوده به او حمله کرده و او را کتک زده است. به نظر می‌رسد موکلم در دفاع از خودش دست به قتل زده و قتل عمدی نبوده است. از این رو تقاضای برائت وی از اتهام قتل عمدی را دارم.

با پایان دفاعیات این وکیل قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.